

به نام خداوند جان و خرد

مقاومت شرط پیروزیست

میلیونها نفر در نهایت آرامش سئوالی داشتند که آرای ما چه شد؟ حکومت جناح اصولگرا حتی بدون در نظر گرفتن موازین قانونی خود برنده را اعلام کرد و اقبال مردم به رای دادن را تایید نظام تلقی نمود ولی حضور میلیونی مردم در اعتراض به تقلب در انتخابات این ادعا را بیرنگ کرد و دنیا با روشهایی که به صورت ابتکاری با بهره گیری از وسایل ارتباط جمعی نوین چون اینترنت و راههای ارسال عکس و خبر از آنچه در انتخابات ایران واقع شده بود به سرعت آگاه شد. نتیجه زود هنگام آن سقوط از موقعیتی بود که حاکمیت با تبلیغات در کشورهایی چون افغانستان و عراق و لبنان برای خویش فراهم ساخته بود.

حاکمیت از فردای انتخابات برای آرام کردن معترضان که نتیجه اعلام شده را نمی پذیرفتند دست به اقدامات شدیدی زد و بازداشت های دسته جمعی در کوچه و خیابان، دستگیری صدها فعال سیاسی، تیراندازی و کشته شدن دهها نفر در پی تظاهرات آرام و مسالمت آمیز که در پی آن معترضان اقدام حاکمیت را کودتای انتخاباتی نامیدند و نتیجه انتخابات را غیر دموکراتیک و فاقد مقبولیت دانستند.

اکنون نزدیک چهار ماه از انتخابات ریاست جمهوری می گذرد. خشونت همچنان ادامه دارد خشونت جامعه را بیش از پیش به بیعدالتی و نابسامانی کشانده است و تا زمانیکه حاکمان می اندیشند با ایجاد رعب و وحشت می توان حکومت کرد جامعه روی آرامش نخواهد دید. در ایران زمین آزادیهای فردی و اجتماعی پایمال حاکمان است. در دادگاههایی که برای محاکمه معترضین به انتخابات تشکیل شده است نه قوانین بین المللی که حتی قوانین مورد قبول حاکمان نیز رعایت نشده است. زندانیان این کودتای انتخاباتی همچنان در شرایطی طاقت فرسا گرفتارند. تجربیات مبارزات آزادیخواهانه نشان داده است که در راه مبارزه برای آزادی و دموکراسی باید خستگی ناپذیر و مقاوم گام برداشت زیرا که مقاومت شرط پیروزیست.

مانده است گامی به تحقق خواسته ها نزدیک شد و خروج ایران را از بن بست های سیاسی و فرهنگی و اقتصادی فراهم ساخت در قانون اساسی تعاریف متعددی درباره حقوق بشر وجود دارد که با اعلامیه جهانی حقوق بشر هماهنگ است تنها نکته مبهم آن است که مواد قانون اساسی نباید در تعارض با شرع مقدس اسلام باشد این نکته هم مانع حضور مردم در مبارزات انتخاباتی نمی شد چون فقها و آیات عظام و صاحب نظران مسائل دینی دیدگاههای متفاوتی در تفسیر حقوق انسانها داشته و دارند. چنانکه می بینیم عده ای دموکراسی را در تعارض با دین نمی دانند و عده ای دیگر دموکراسی را نقطه مقابل دینداری به شمار می آورند.

تبلیغات انتخاباتی به شیوه ای متفاوت از دوره های قبل و همرنگ کشورهای دارای دموکراسی و آزادی برگزار شد و مخالفت های متعصبین در ممانعت از نحوه تبلیغ کاری از پیش نبرد. مطالبات مردم در کلیات کسب آزادیهای فردی و اجتماعی سیاسی و فرهنگی برابر اعلامیه جهانی حقوق بشر بود که به نظر برخی اجرای کامل قانون اساسی جمهوری اسلامی و نادیده نگرفتن جمهوریت می توانست حرکتی امید بخش باشد.

رشد اجتماعی مردم ایران در مبارزات انتخاباتی و میزان تحملی که طرفین شرکت کننده در انتخابات از خود نشان دادند جهان را حیرت زده کرد و احترام از دست رفته ای را به ملت ما بازگرداند. همه از عدم خشونت و تقاطی فکر سخن می گفتند. شادی و شور به جامعه ایرانی بازگشته بود به نظر می رسید که اگر در انتخابات آزادیهای رای دهنده و داوطلبان رعایت شود و انتخابات حتی الامکان از تقلب به دور باشد مرحله نوینی فرا می رسد.

پس از اخذ رأی ناگهان همه چیز دگرگون شد خبر از کودتای انتخاباتی به سرعت انتشار یافت و اصلاح طلبان رای گیری را درست ولی نتایج اعلام شده را ساختگی خواندند. موج بازداشت فعالان انتخاباتی و سیاسی همراه با اعلام نخستین نتایج آرا آغاز شد. درصدهای آرا که به نفع اصلاح طلبان بود مورد قبول آنان قرار نگرفت و اعتراضات مردم اوج گرفت.

در حالیکه دهه اول قرن بیست و یکم رو به پایان است بحرانهای گوناگون سراسر جهان را فرا گرفته است. باید راههای نوینی را آزمود. از این روست که می بینیم کاندیدای ریاست جمهوری در آمریکا تحت لوای "تغییر" پای به عرصه مبارزات انتخاباتی نهاد و پس از پیروزی در برابر بحران شدید اقتصادی آمریکا و جهان ضرورت تغییر در سیاست های دو دوره گذشته ریاست جمهوری را خواستار گردید. در کشورهای اروپایی هم که انتخابات داشتند به تغییر و دگرگونی سیاست های گذشته توجه بیشتری کردند و ما شاهد تغییرات آشکاری در سیاست های کشورهای عضو اتحادیه اروپا هستیم وقتی که انتخاب رئیس جمهوری در ایران به گونه ای به ظاهر متفاوت از سه دهه گذشته گفتمان فعالان سیاسی شروع شد این فکر گسترش یافت که به دلیل پیوستگی و تاثیرات متقابل مسائل سیاسی و اجتماعی در جهان، انتخابات ایران هم می تواند تغییراتی را در کشور ایران موجب شود. شنیده می شد که این بار انتخابات آهنگ دیگری دارد ولی مرحله نخست به طریق سالیان گذشته عمل شد یعنی عبور از صافی شورای نگهبان. انتخابات تنظیم شده بود دو اصلاح طلب و دو اصولگرا را شورای نگهبان تایید کرد. میدان آراسته شد داوطلبان تایید شده شورای نگهبان و همگی از نخبگان حاکمیت بودند و آماده مبارزه انتخاباتی شدند. مردم که در پی تغییر بودند با اعتقاد بر اینکه اگر به یکی از این افراد که مطالباتش نزدیک تر به خواسته های تحقق نیافته مردم در سالهای اخیر باشد رای دهند و با احساس مسئولیتی که باید در همه انسانها باشد تصور چنین بود که انتخاب رئیس جمهوری که با اتکاء به رای اکثریتی از ملت برگزیده می شود تغییراتی در پی دارد و به بهبود شرایط سیاسی و اجتماعی کمک خواهد شد. از این رو گروههای سیاسی و اجتماعی و فرهنگی به اعلام کف مطالبات خویش اقدام کردند پیگیر شدند که چگونه می توان از راههایی گام برداشت که قانون اساسی با آن در تضاد نباشد و از طریق همین قانون اساسی که بخش هایی از آن به خصوص بخشهای حقوق فردی و اجتماعی و آزادیهای مردم مغفول

شعار های مردم

یکی از شعارهای مردم ایران در اعتراضات گسترده پس از انتخابات ۲۲ خرداد فریاد بلند « مرگ بر روسیه » بود که برای اولین بار به این صورت وسیع در آسمان ایران طنین انداز شد و به ویژه در روز قدس مردم سراسر جهان دیدند و شنیدند که ملت ایران بدون اعتنا به شعارهایی که از بلندگوهای دولتی راهپیمایی اعلام میشد « مرگ بر روسیه » را تکرار و پاسخ میگفتند علت مطرح شدن این شعار چیست ؟ برای ریشه یابی و سبب شناسی این شعار باید صفحات تاریخ این چند قرن اخیر را بکاوییم و به عملکرد همسایه شمالی در این دو سه قرن اخیر هر چند کوتاه و مختصر نظری بیفکنیم . روسیه با جنگهایی تجاوزکارانه و سپس بموجب قراردادهای شمالی ارس یعنی ایالات ننگین گلستان در ۱۱۹۱ خورشیدی و ترکمانچای در سال ۱۲۰۶ خورشیدی بخشهای وسیعی از خاک ایران در قسمت‌های شمالی ارس یعنی ایالات گرجستان و قفقاز را به تصرف خود درآورد و ضمیمه خاک خود نمود. در جریان انقلاب ضد استبدادی مشروطیت روس ها جانب مستبدین را گرفتند و با انقلاب آزادیخواهانه ملت ایران به ستیز برخاستند تا آنجا که محمد علی شاه قاجار را که قصد برچیدن مشروطیت و اعاده استبداد را داشت مورد حمایت و تجهیز همه جانبه قرار دادند و در دوران استبداد صغیر این « لیاخوف » روسی بود که با هماهنگی محمد علی شاه و مستبدین مجلس شورای ملی را به توپ بست . با اینکه دولت انقلابی روسیه در آغاز به دلیل ضرورت شناسایی سیاسی از امتیازات تحمیلی سزارها به ملت ایران چشم پوشی نمود ولی با درج مواد ۵ و ۶ در عهدنامه ۱۹۲۱ زمینه دخالت خود را بر اساس نگرانیهای امنیتی فراهم نمود و از آن چون شمشیری دموکلس بر آزادی عمل های سیاسی ایران استفاده نمود . در جریان جنگ دوم جهانی در شهریور ۱۳۲۰ میهن ما توسط نیروهای متفقین از شمال و جنوب مورد هجوم قرار گرفت و ابتدا توسط نیروهای انگلیسی و روسی اشغال گردید و سپس دوستان آمریکایی آنها نیز به این سرزمین دعوت گردیدند صرف نظر از فجایع و تعرضاتی که توسط این نیروها در کشور ما به منصفه ظهور رسید ولی پس از پایان جنگ نیروهای آمریکایی و انگلیسی خاک ایران را ترک نمودند در حالیکه نیروهای روسی در بخش هایی از شمال ایران بویژه در آذربایجان اطراق نموده و به بهانه های واهی رغبتی به ترک خاک ایران و اجرای عهدنامه سه جانبه و بیانیه سران سه دولت در تهران و تخلیه نیروهای خود نشان نمیدادند شاید هم چندگامی خود را به خلیج فارس نزدیکتر میدیدند و اگر اولتیماتوم و اخطار ترومن رئیس جمهوری آمریکا به اتحاد جماهیر شوروی دایر بر ترک فوری خاک ایران صورت نمیگرفت قطعا روسها به آسانی خاک ایران را رها نمیکردند. روسها با وجود اینکه به بیرون بردن نیروهای رسمی خود از خاک ایران گردن نهادند ولی باز هم مزورانه با حمایت کردن از بساط فرقه دموکرات و توسط این نیروهای غیررسمی و دست نشانده خود که به ظاهر ایرانی بودند درصدد تجزیه ایران برآمدند که از آن توطئه هم به دلایلی که مهمترین آنها مقاومت و ایران خواهی مردم غیور آذربایجان بود نتیجه ای کسب نکردند . روسها در جریان نهضت ملی شدن نفت ، بوسیله حزب توده دست پرورده خود از هیچگونه مخالفت و کارشکنی در مسیر نهضت ملی ایران و دولت ملی مصدق فروگذار نکردند و هنگام کودتای ننگین ۲۸ مرداد ۳۲ پای طرح این کودتای انگلیسی آمریکایی مهر تایید گذاشتند و به حزب توده گوش به فرمان خود اجازه ندادند که در مقابل کودتا هیچ عکس العملی از خود نشان دهد . روسها از دادن ۱۱ تن طلای بدهی معوق خود که از زمان جنگ به دولت ایران بدهکار شده بودند به دولت ملی مصدق علی رغم نیاز شدیدی که دولت ملی بدان داشت خودداری نمودند ولی پس از کودتای استعمار ساخته ۲۸ مرداد این گنجینه عظیم را در اختیار سپهبد زاهدی رییس دولت کودتا قرار دادند . روس ها پس از انقلاب سال ۱۳۵۷ ایران به انحاء مختلف از جمله با بکارگیری عوامل حزب توده در امور داخلی ایران مداخله نموده و نقش برجسته ای در دور شدن مسیر انقلاب از هدفهای ملی و آزادیخواهانه آن و گرایش دادن انقلاب به طرف اختناق و سرکوب ایفاء نمودند و بسیاری از انحرافات از سیاست خارجی مستقل ایرانی در راستای حفظ منافع ملی را سبب گردیدند که نتیجه اش درگیر کردن ایران در تشنجات منطقه ای و جهانی بوده و میباشد . روسها پس از فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی به عنوان محور اصلی و سرکرده آن « اتحاد » کوشیده و همچنان میکوشند که منافع ملی ایران در دریا ی مازندران را که به موجب قراردادهای موقت و مطابق با اصول قطعی حقوق بین المللی پنجاه در صد از منافع آن دریاست زیر پا بگذارند و در این زمینه از هیچ نیرنگ و ترفندی خودداری نکرده اند . روسها در ارتباط با قراردادهای اندازی نیروگاه اتمی بوشهر پس از اخذ میلیارد دلار از ثروت ایران مکررا از انجام تعهدات خود در این زمینه طفره رفته اند و فقط برای حفظ منافع خود و حل کردن مناقشاتشان با سایر قدرتهای جهانی با « کارت ایران » بازی میکنند و بهره میجویند . در شرایط کنونی که ملت ایران در یک جنبش آزادیخواهانه و حق طلبانه به پا خاسته و با بیدادهای بی سابقه و ناگفتنی حاکمیت دست و پنجه نرم میکند و نسبت به انتخابات سرهم بندی شده اعتراض مینماید روس ها اولین دولت تبریک گوی انتخابات آنچنانی هستند و به روی غاصبین حقوق ملت ایران لیخنند میزنند و در کام این ملت شجاع و فداکار زهر میچکانند . با اینکه در عصر حاضر زمان دشمنی ها و خصومت های کهنه بین کشورها به پایان رسیده و زمان تعامل و همکاری و دوستی های بین المللی برای جامعه بشری فرار رسیده است ولی آیا همین رفتارهای ناهنجار جدید و جاری روسیه نسبت به ملت ایران شعار « مرگ بر روسیه » ملت ما را ایجاد نمیکند ؟

(... ما همه با هم هستیم ...)

جوانان ایران در ماههای اخیر به شکل چشمگیری خواستهای آزادیخواهانه و مسالمت جویانه خویش را به گوش جهانیان رسانیدند. در بین جوانان حضور دختران نیز جلوه ای دیگر بود که از هشیاری زنان ایران و خارج شدن آنان از محدوده های تحمیلی که قرن هاست می خواهند از آنان جنسی نیازمند به حمایت جنس دیگر تصویر کنند حکایت می کرد. جوانان ایران بدون تبعیض های تحمیلی جنسیتی خواستار آینده ای هستند که آزادیهای فردی و اجتماعی مردم ایران تامین شود و رفاه اقتصادی جایگزین فقر حاکم بر اکثریت جامعه گردد. در اعتراض به ناسالم بودن و غیر واقعی بودن نتایج انتخابات نسل جوان ایران توانمند و با سرافرازی در زیر فشار سنگین مستبدان نشکست، هزینه بسیار داد لیک از آزمایشی سخت با افتخار بیرون آمد.

دیگر امروز وسایل ارتباط جمعی جهانی با نشان دادن چند فیلم درد آور از اعتیاد و خود فروشی، نخواهند توانست جامعه جوان ما را به سستی و بی اعتنایی به سرنوشت سرزمینشان متهم کنند. این جوانان هستند که با یکدیگر به گفتگو می نشینند خواسته های اولیه خود را مطرح می کنند. طرحهایی برای کسب آزادیهای اساسی دارند و می خواهند آینده ایران را بسازند. بسیاری از مردم ما شنیدند که در اجتماعات معترضین جوان به نتیجه اعلام شده انتخابات ریاست جمهوری وقتی که از همه سو عرصه به جوانان تنگ می شد و نیروهای نظامی و لباس شخصی و بسیج و ویژه و ... به ضرب و شتم مردم می پرداختند بانگی از جوانان برمی خواست که " تترسید نترسید ما همه با هم هستیم "، این فریادی بود که از نیاز به هماهنگی و همدلی حکایت می کرد و با این فریاد فرود آمدن ضربه های مشت و لگد و چوب برای مردم تحمل پذیرتر می گردید. این شعار که ریشه در شعور داشت از ضرورت با هم بودن سخن می گفت. با هم بودن آگاهانه برای رسیدن به خواسته های انسانی و حق طلبانه ضرورت امروز است. بر همه نیروهای ملی و مردمی است که حرکت آزادیخواهانه امروز را حمایت کنند جوانان دانشجوی روزهای نخستین سال تحصیلی نشان دادند که تمام فشارهای وارد شده بر دانشجویان که با هر اندیشه ای در کنار یکدیگر سرود پر افتخار ای ایران را برای آغاز کلاسهای درس ، گروهی خواندند و به دولت برآمده از کودتای انتخاباتی اعلام کردند که تا ستم روا دارند دانشجوی آرام نمی نشیند. چند روزی قبل از اول مهر فرماندهان سپاه و بسیج تا توانستند تهدید کردند و دانشجویان را از بیان خواسته هاشان بر حذر داشتند اما دانشجویان چون کنار هم آمدند با هم بودند و نهراسیدند.

وابستگان بلند پایه دولت چون وزیران و استادانی که از مردم بریده اند نتوانستند با تمام حراست ها و حفاظت ها و ماموران رسمی و غیر رسمی در گوشه ای از دانشگاهها داد سخن دهند و آسوده از جلسه بیرون آیند تا حدی که در خبرها آمده است آقای حداد عادل استاد دوره دکتری حتما موفق به تشکیل جلسه دفاع از پایان نامه دانشجویانشان در دانشگاه تهران نشدند. چون خشم دانشجویان به ایشان فرصت چند دقیقه بیشتر بودن در دانشگاه را نداد. حال سؤال این است که آیا حکومتی که عوامش بدون ترتیبات شدید امنیتی نمی تواند به دانشگاه بروند حکومتی که پاسخ هر حرکت مسالمت آمیز را با ضرب و شتم و گلوله می دهد خواهد توانست بر مسند قدرت باقی بماند؟ گفته اند که با سر نیزه می توان مدتی حکم راند ولی بر آن توان نشست.

منطق این محاکمات چیست؟!

قریب یک هزار سال پیش، حکیم ناصر خسرو قبادیانی در تشبیه زیبایی گفته است: «خلق همه یکسره نهال خدایند ... هیچ نه برکن تو زین نهال و نه بشکن» و این معنی را در اشعار بسیاری از شعرای ملی دیگر نیز می‌یابیم اما امروزه در پاسخ یک پرسش ساده مبنی بر اینکه رأی انتخاباتی من چه بر سرش آمد؟ هیئت حاکمه چنان دست و پای این نهال را شکسته و میزان تنبیه و مجازات را بالا می‌برد که روح شاعر حکیم را کاملا آزرده می‌سازد. همین‌طور اگر صحبت استفاده از امکانات مملکتی و حقوق فردی و اجتماعی در بین باشد، به شهروند معترض و عصبانی از گروه محرومان می‌گویند تقسیم غنائم در میان محارم انجام و کار تمام شد و "گر تضرع کنی و گر فریاد جوجه را گربه پس نخواهد داد" خلاصه این رفتار خصمانه و اهانت آمیز تا آنجا پیش رفته و خفقان آور می‌شود که شهروند مستاصل دهبان و آرزو می‌کند که ای کاش دوباره به جنگل پناه برده و از رنج تحمل انواع ستمها رهایی یابد! ... در شماره‌های گذشته پیام جبهه ملی ایران به کرات متذکر شده ایم که متأسفانه روز بروز بر عناوین جرمها یکی اضافه می‌شود و تشخیص‌ها و دستورها فوری برای سلب آزادیها جای قوانین را می‌گیرد و گاهی در محاکمات صد نفری یکصد متهم نامتجانس می‌نشینند و سوالات یکنواخت را پاسخ یکسان می‌دهند، پاره‌ای از رفتارها دقیقاً یادآور مناظر محاکمات جنگی و حرکات غالب و مغلوب می‌شود از حال و هوای دادگاه و جلسه رسیدگی به جرائمی که هیچ کدام قطعی و محقق نیستند کمترین بوی محبت و رافت استنمام نمی‌شود و ... اگر ترتیب جلسات رسیدگی دادگاه برای این است که قاضی نکات مبهم پرونده را روشن و برای صدور حکم نکته تاریکی باقی نماند این نیت در حالی که از وجود وکیل در طی جریان محاکمه خبری نیست و نکات مربوط به بی‌گناهی متهم با استفاده از مقررات قانون گفته نمی‌شود طبعاً استوار و بر حق بودن حکم صادره محل تردید قرار می‌گیرد و معلوم نمی‌شود در اتهامهایی که به شخص وارد شده خود او تا چه حد دخیل و عاقد بوده است و اساساً از جانب او عمل خلاف قانونی صورت گرفته است یا خیر؟ توجه بفرمایید: دختر پسر دانشجویی حین رفتن به دانشگاه بدون شرکت در تظاهر و اجتماعی، ناگهان در محاصره ۱۰ نفر مأموران نظامی قرار گرفته و به شدت مضروب، بعد با زداشت و تحویل بازداشتگاه شده و تارسیدگی به پرونده منتظر تعیین تکلیف می‌ماند و چند ماه می‌گذرد، جوان کتک خورده دست و پا شکسته علاوه بر اینکه عذاب ایام بازداشتی را تحمل می‌کند در دادگاه نیز به مجازات شاق و جرمه محکوم و از همه بدتر موقعیت و پایان تحصیلات خود را از دست می‌دهد، این همه مجازات و مجموعه آنها برای جوانی که در خیابان تظاهراتی را تماشا کرده یا اصلاً در آن تظاهرات شرکت داشته و گرفتار شده است، آیا از نظر قاضی بی‌طرف و عادل آنهمه مجازات برای یک عمل مجرمانه!! در صورتی که حکم صادر شده باشد منطبق با نظر قانونگذار بوده و متناسب تلقی می‌شود؟ پاسخ بدون شک منفی است و همه را با یک چوب راندن نظام خود سازمان دادگستری را بر هم می‌زند و سبب صدور احکام ناموجه می‌گردد. اما داستان اعدام کودکان کمتر از هجده سال واقعا دردناک و از هر حیث قابل امان نظر و دقت است و جا دارد مقالات بسیاری دادرسان را آگاه نمایند. آری مجرمین نوجوان و مجازات اعدام برای آنها موضوع دیگری است که آرزومندیم قضات و وکلای محترم دادگستری در صدد اصلاح قانون و رویه به طور جدی باشند اینکه اعدام نوجوانان در سن زیر سن قانونی مثلاً برای نوجوان چهارده ساله ای که در یک نزاع دسته جمعی انجام قتل را به او نسبت داده اند حکم اعدام صادر شده ولی اجرای حکم به بعد و رسیدن سن محکوم به سنی که بر رشید شناخته می‌شود موکول شده است. باید بیروسیم که منطق این کار چیست؟ البته از این نظر که محکوم را طبق قانون و مقررات چند سال یا چند ماه فرصت زیستن بیشتر در زندان را می‌دهند تا سواد بیاموزد و حرفه ای یاد بگیرد و با روحیه متفاوت بخشوده شده و به جامعه بازگردد اقدام شایسته و انسانی صورت می‌گیرد ولی دادن مهلت به محکوم برای حصول شرایط که در تاریخ ارتکاب فراهم نبوده به قصد اینکه او را به هر حال اعدام نمایند نیست و درست بمنظور ارفاق به مجرم خطاکار پیش بینی شده است. اگر غیر از این فکر نکنیم دادن مهلت تا رسیدن به سن قانونی عاقلانه نخواهد بود حال و در برابر اینهمه ولع و اصرار برای اعدام جوانها پیشنهاد می‌کنیم یک چند نیز اعمال محبت و دوستی را آزمایش و سینه‌ها از غبار کینه و نفرت پاک نماییم. حکیم و شاعر جهانی عمر خیام شاید با تجسم مناظر شکستن بلور قامت جوانان است که می‌فرماید: ... این کوزه گر دهر چنین جام ظریف - می‌سازد و باز بر زمین می‌زندش. ممکن است عده ای بگویند این قبیل عقاید متعلق به هزار سال پیش است پس چشمها را ببندید و چند بیبی از چکامه شور انگیز مرحوم علامه طباطبایی زمزمه کنید:

بود کیش من مهر دلدارها	همی گویم و گفته ام بارها
بروندند زین جرگه هشیارها	پرستش به مستی است در کیش مهر
بریدند از دام جان تارها	مهین مهرورزان که آزاده اند
چه حلاج‌ها رفته بر دارها	چه فرهادها مرده در کوهها

راستی که با مهر حیات بخش انسانها نسبت به یکدیگر زندگی چقدر زیبا و دوست داشتنی است.

خرد پیشه ای توانا خرقة تهی کرد

استاد مهندس علیقلی بیانی، آخرین یادگار گرانقدر از جمع چهل و چند نفر مؤسسان حزب ایران در سال ۱۳۲۳ شمسی بود. او متولد ۱۵ بهمن ماه ۱۲۹۱ بود و در روز ۸ شهریور ۱۳۸۸ در تهران درگذشت و در قطعه نام آوران بهشت زهرا چهره بر خاک نهاد. شادروان مهندس بیانی شخصیتی پاک سرشت و دانشمندی سراپا عاشق خدمت به مردم بود و از تظاهر و خودستایی سخت بیزار. او عنوان عضویت مؤسس در تشکیل حزب ایران و تداوم عضویت به مدت بیش از ۶۵ سال را از افتخارات قطعی خود می‌دانست و اصولاً از معتقدان استوار به ایجاد حزب و تشکل‌های جمعی به منظور مشارکت در تکوین دموکراسی و آزادی در مملکت بود؛ زنده یاد مهندس بیانی پس از شرکت در مسابقه اعزام محصل به خارج در سال ۱۳۱۱ به فرانسه رفته و طی چند سال اشتغال به تحصیل در دانشکده‌های فرانسه و انگلستان در رشته تخصصی مهندسی (هیدرولیک) به وطن بازگشته بود. در آن تاریخ عموماً باوجود کار و کوشش مظاهر فقر و فساد و عدم رعایت عدالت در گردش امور همه جامعه مشاهده می‌شد و البته این مناظر در نگاه جوانان از فرنگ برگشته زنده تر می‌نمود و سیستم سنتی برای وارد شدن آنان به میدان فعالیت مساعدت نمی‌نمود و لذا تعدادی از مهندسی‌نیکار و یا مشغول در قسمتهای غیر مرتبط با رشته‌های تحصیلی خود بودند. قبل از تشکیل حزب ایران کانون مهندسان ایران در سالهای ۱۳۲۰ و ۱۳۲۲ برای کسب حقوق صنفی و انجام فعالیت‌های سیاسی تشکیل شده و برنامه‌های اعتصاب به منظور به رسمیت شناختن امتیازاتی که از آنها محروم بودند تا حدی موفق شده بود. لذا حزب ایران به دنبال فعالیت‌های کانون به ویژه با تلاش چند نفر از آنها و نوشتن اساسنامه و مرامنامه و تعیین شعارهایی نظیر: کار، داد، آزادی و با فکر ایرانی و به دست ایرانی، برای ایران و نوشتن بروشورهای حزبی موجود در تمام مدت فعالیت حزب کلاسهای تعلیماتی و آشنایی با مردم و نشر عقاید حزب و سخن رانی‌های هفتگی با آن مرد وارسته بود. شادروان مهندس بیانی مکرر به دوستان توصیه می‌کرد هر کس استعداد و تخصصی در زمینه انجام برنامه‌های ملی و طرحهایی در این موارد دارد باید ارائه نماید، این خودخواهی مضر است که بگوئیم طرحهای تاثیرگذار در بهبودی و رفاه زندگی عامه مردم تنها به وسیله خود ما میسر است. بر اساس این فکر بود که طرح جامعی در مورد نحوه استفاده‌های صحیح از آبهای کشور تهیه کرده بودند، در این مورد و کارهای فرهنگی و ترجمه و تالیف باید مقاله جامع جداگانه در مورد سد سازی‌ها، لوله کشی آب شهر تهران و ساختن مسکن برای کارمندان تهیه نمود روانش شاد و قرین آرامش باد.

دستبرد به تاریخ موقوف ...!

از قراری که شنیده می شود یک تصمیم ناپجا و تخریب گونه ای از سوی وزارت آموزش و پرورش در آستانه اجرا قرار گرفته که بسیار تأسف انگیز و زیانبار است و صفحه ننگبار دیگری در صورت تحقق بر اوراق تصمیمات جمهوری اسلامی خواهد افزود. نخست لازم است یک امر بدیهی را بار دیگر تذکر داد و آن این است که جبهه ملی در کار مملکت داری معتقد به حکومت جمهوریست و به هیچ روی سلطنت را که یک شیوه قرون وسطایی و پیوسته به اساطیر کهن است برای قرن تسخیر فضا و تغییراتی که عمیقاً در روال زندگی اجتماعی بشر امروز به وجود آمده مناسب نمی داند چنانکه با چند هزار سال تجربه ای که از عملکرد حکومتهای سلطنتی در ایران و بسیاری از کشورهای جهان به دست آمده روشن است که عبرت نگرفتن از آزمایش های قرون و اعصاری تا چه حد با موازین عقلی بیگانگی دارد. اینها همه درست ولی تصمیم وزارت آموزش و پرورش در حذف نام پادشاهان از برنامه تاریخ درسی دانش آموزان کاری است که با دشمنانگی و مخاصمت با تمدن کهن و ملت ایران پیوند دارد. تاریخ و شرح حال پادشاهان و روابط دوستی یا مخالفت با پادشاهان کشورهای دیگر اهمیت فراوانی در تخمین و تقویم حرکت های تاریخی و چگونگی اوضاع و احوال کشورها و در نتیجه آن اوضاع و احوال مردم هر زمان و دیدگاه های آنان در برخورد با حوادث ناشی از روش های سلاطین دارد و نشان می دهد که کار آبی پادشاهان در فرماندهی و حکومت در مواقع و موارد گوناگون تا چه حد قابل پژوهش و بهره برداری است یعنی جنبه های مثبت و منفی سلاطین در زمان پادشاهی خود بسیاری از حقایق تاریخ را توأم با انسان شناسی و تأثیر وجود آنان را در سطح کشور و جهان روشن می کند و از اینرو آموزشی های فراوان برای قلمرو تحقیق به دست می دهد.

اصولاً تاریخ هر کشوری قطع نظر از جنبه های مثبت و منفی آن برای آن کشور مهم است و از عوامل تشکیل دهنده اصالت قومی، وحدت ملی، سابقه تمدن و پیشرفت آن کشور می باشد. ذکر نام پادشاهان موجب می شود که از خدمات یا خیانت های آنان، از مردم دوستیها گرفته تا ستمگریهایش اطلاعاتی به دست آید و در هر اقدامی که در شئون مختلف کشوری به ظهور رسانده اند غور و بررسی بشود و نتایج رضایت بخشی از ماحصل این تحقیقات به چنگ آید که بدیهی است این گونه غور و بررسی ها در انواع دیگر حکومت از جمهوری و... می تواند تأثیرگذار باشد. نادیده نباید گرفت که قسمت عظیمی از ترقیات شهرنشینی و شهروندی و بنیادگذاری سازمان های صنعتی و بنا کردن عمارات عالی که با صنعتگرهای حیرت انگیز معماران برجسته همراه بوده است با اقتدار شاهان گیتی و به فرمان آنان به وجود آمده است چنانکه پیشرفتهای هنری و ادبی و آثار جاودانی ذوق بشری در آفاق جهان مدیون تشویق پادشاهان بوده است که نادیده نمی توان گرفت. بنابراین باید منصفانه گواهی داد که در برابر ستمها، بی عدالتی ها و بسیاری از زشت کاریها و جنگ و ستیزهای زیان بخش جنبه های مثبتی هم در کار برخی سلاطین وجود داشته است. مقصود از نگارش این مختصر هشدار به وزارت آموزش و پرورش است که به هیچ روی حق ندارد نام پادشاهان را از تاریخ مدارس حذف نماید و دانش آموزان را در بی خبری در یک قسمت مهم از مجموعه سازنده ملیت و هویت ایرانی قرار دهد. اساساً باید پرسید که مگر جمهوری اسلامی رسالتی برای محو آثار ملی ایرانی دارد که هر از چندگاه حمله ای به یکی از عناصر متعلق به ایران و ایرانیت می برد و با برخی از کشورهای دیگر همنوایی و هماهنگی نشان می دهد.

رژیم حقوقی دریای مازندران

فقدان اراده سیاسی برای دفاع از منافع ملی به چنان مرز خطرناکی رسیده که روز قدس جوانان میهن تن به هرگونه خطری داده و شعار «نه غزه نه لبنان، جانم فدای ایران» سر می دهند. این یعنی همه چیزمان نخ نما شده است، از دین و اخلاق گرفته تا اقتصاد و صنعت و کشاورزی و سیاستمان، روابطمان با کشورهای دنیا روز به روز پیچیده تر و پر ابهام تر از همیشه شده و انزوای ایران حرف اول را میزند! شگفتا که در چنین شرایطی آقای احمدی نژاد به هولوکاست و حقوق سرخ پوستان آمریکا می اندیشد و داد سخن می دهد ولی با منافع ملی ایرانیان در دریای مازندران و خلیج فارس آنچنان بیگانه است که همسایگان جنوبی صحت نام خلیج فارس را به پرسش کشیده اند و همسایگان شمالی تا کنون جلساتی چند بدون حضور نمایندگان ایران تشکیل داده و تصمیماتی گرفته اند که بی تردید به سود منافع ملی ما ایرانیان نمی باشد.

در بسته پیشنهادی دولت ایران خطاب به کشورهای ۱۰+۵ نیز از هر دری سخن رفته تا فرصت تاریخی دیگری را از دست بدهیم و موضوعات مهم و حیاتی کشورمان را از قلم بیاندازیم. تنها راه حل رژیم حقوقی دریای مازندران ایجاد اتحادیه ای منطقه ایست که نهایتاً نظیر اتحادیه اروپا با حذف مرزهای دریایی از جنوب دو کشور آذربایجان و ترکمنستان و انتقال آن به شمال همین کشورها حقوق تاریخی پنجاه درصد سهم ایران را تضمین نماییم. برای اجتناب از اختلافات ناشی از بهره برداری اقتصادی از منابع دریای مازندران نیز باید اصل را بر بهره وری بخش خصوصی و فروش سهام شرکتهای دریایی در هر سه کشور ایران، آذربایجان و ترکمنستان بدون حق مالکیت یا دخالت دولتها در امور اقتصادی قرار داد.

اصول عقاید و هدف های

جبهه ملی ایران

برگرفته از اساسنامه جبهه ملی ایران

اصل اول - حفظ تمامیت ارضی، استقرار حاکمیت ملی و استقلال سیاسی بر خاسته از اراده عمومی ملت ایران در نظام جمهوری مبتنی بر اصول دموکراسی، حقوق بشر و حاکمیت قانون.

اصل دوم - تأکید بر تأمین و حفظ حقوق و آزادی های اساسی مردم ایران به ویژه آزادی احزاب، انتخابات و مطبوعات و تساوی حقوق زن و مرد و مبارزه با هرگونه تجاوز به حقوق بشر.

اصل سوم - جبهه ملی ایران برای حفظ احترام دین مبین اسلام و همچنین فراهم شدن امکان بهره گیری از تمامی توان ملی و مردمی جامعه ایران بر اصل جدایی دین از حکومت تأکید می کند.

اصل چهارم - استقرار عدالت اجتماعی و بالا بردن سطح رفاه عمومی بر اساس جهان بینی علمی، رشد تولید و افزایش اشتغال و توزیع عادلانه درآمد ملی.

اصل پنجم - احترام به حقوق شهروندی برابر و اعتقادات دینی و آداب و رسوم و زبانها و گویش های تمامی تیره ها و مردم سرزمین ایران.

اصل ششم - تقویت و پاسداری و گسترش زبان ملی و مشترک فارسی و فرهنگ و هنرهای ملی ایران.

اصل هفتم - اتخاذ سیاست خارجی مستقل ایرانی بر اساس حفظ مصالح و منافع ملی و حفظ تمامیت ارضی کشور و پشتیبانی از اصول و هدف های منشور ملل متحد و دوستی و احترام متقابل با همه ملت ها و کشورها به ویژه کشورهای منطقه و مبارزه با هرگونه تروریسم فردی، گروهی و دولتی.



نشریه داخلی پیام جبهه ملی ایران

با یاد

دکتر مهدی آذر و اصغر پارسا

www.jebhemelliiran.org

E-mail: hejmi85@yahoo.com